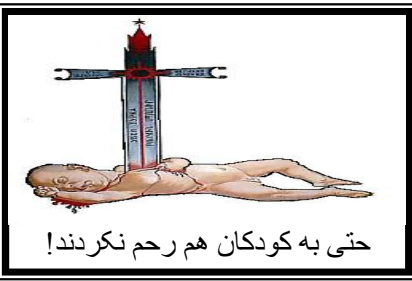




سفارت ارمنستان

# تورک دنیاسینا گدن بیر یول



حتی به کودکان هم رحم نکردند!

یول / هفته نامه خبری دانشجویان تورک دانشگاه تهران / شماره ۴۵ (ویژنامه) شنبه ۳۰/۰۱/۸۳ - ۱۸ آوریل ۲۰۰۴ / قیمت ۱۰ تومن <http://yol1.topcities.com>

## ۲۴ آوریل روز دروغ به دادگاه جهانی؛ قاتل در جایگاه مقتول!

به جای سرمقاله:

### ارتش دانشکده های خونخوار ارمنی در کشور!

وضعیت ارمنه در کشور وضعیت یک بام و دو هوا می باشد. تعدادی از آنان که در تهران و اصفهان زندگی می کنند، عمری را در آرزوی تشکیل رژیم ارمنستان سپری کرده اند، ولی حالا پس از تشکیل آن رژیم و وضعیت اسفبار زندگی در آنجا و نبود حداقل امکانات برای یک زندگی متوسط دیگر امیدی برای آنان باقی نمانده است. ولی نسل جوان ارمنه ایران و اصفهان، فکر دیگری را در سر می پروراند: بهشت موعود، آمریکا! با اینکه آنان از کودکی در کلیسایشان نقشه ای ارمنستان بزرگ را دیده اند و پدر و مادرهایشان وعده ی چنین سرزمین موعودی (ارمنستان بزرگ از ایروان تا اصفهان و از دریا تا دریا دریای سیاه تا دریای خزر - را شامل می شود و نقشه ای آن امروز در تمام کلیسای شهرهای کشور نصب شده است) را به آنان داده اند ولی اکثر آنان آرزوی رفتن به آمریکا را دارند و بهشت موعود آنها آمریکاست نه ارمنستان بزرگ.

ولی در میان ارمنه ی کشور، ارمنه ی شهر تبریز وضعیت کلاما متفاوت دارند. آنان علاوه بر اینکه شخصیتی بسیار محکمتر از ارمنه ی شهرهای دیگر دارند، تعصب خاصی نیز بر روی این شهر دارند و در اصل ادعای این را دارند که شهر تبریز در دوران باستان به دست پدران آنها ساخته شده است (و مطمئنا تا بحال آثار جعلی باستانی بسیاری را در گوشه و کنار تبریز برای اثبات ادعایشان جاداده اند).

مجلسی بارون اوک (بارناو در اصطلاح محلی) محل تجمع و اسکان آنهاست که نزدیک به یک متر از سطح مناطق اطراف پایین تر است. هرگاه شخصی از این محل عبور کند، بظاهر آن را محله ای آرام و ساکت خواهد یافت. ولی این فقط ظاهر قضیه است. زبان رسمی داخل این محله ارمنی می باشد. اینجا ارمنستان بزرگ در مقیاسی کوچک است. ارمنه برای خود چند کلیسا دارند، مدرسه ی بزرگ ارمنه ای محل تحصیل فرزندان آنهاست که در آنجا تمام درس به لهجه ی ارمنی تدریس می شود. کافیتس وارد یکی از مغازه های آنجا شد و با کسی زیرکی نگاهی به داخل آنان انداخت؛ در داخل دخل پول وجود دارد، اما نه پول کشور بلکه پول رژیم ارمنستان. آنان با پول رژیم ارمنستان باهم داد و ستد می کنند. بله، مملکتی در مملکت دیگر.

بر روی در دیوار اعلامیه هایی به لهجه ی ارمنی وجود دارد، اعلامیه هایی که از دو سه ماه پیش باقی مانده اند. منتهی چرا آنها را کسی پاره نکرده است؛ کافیتس که شبانه آنجا رفت و یکی از آنها را پاره کرد، با احتمال فراوان جواب این کار گلوله ای داغ باشد. چون آنها هر شب نگهبانیها را در هر محله می گذراند و جالب اینجاست که آن نگهبانیها مسلح می باشند؟! بله، آنها مجوز اسلحه دارند!

متل معروفی است که هر پدر و مادری به فرزندش در بچگی می گوید: «فرزندم اگر یک آذربایجانی را دیدی که ارزشی معادل سکه های طلا دارد، میداد آن سکه ها را بررداری، چون اگر آن سکه ها را در داخل جیبیت نگذاری آن سکه ها جیب تو را سوراخ خواهد کرد و در نهایت یک جیب خالی و سوراخ برای تو باقی می ماند.» آری، داد و ستد با یک آذربایجانی به منزله ی کاری بی هولناک شمرده می شود و در حقیقت آنها از مردم آذربایجان موجودات ترسناکی را برای فرزندانشان ترسیم می کنند. هر گاه یک بچه ی ارمنی یک آذربایجانی را می بیند که به طرف او می رود سریع نور می شود، انگار که موجود وحشتناکی را مشاهده کرده است. آنها از دوران بچگی با نفرتی بی اساس بزرگ می شوند که همه از آرزوی تشکیل ارمنستان بزرگ ناشی می شود. فرزندان آنها هر ساله دوره های مخصوصی را در داخل و خارج کشور برای آموزش های نظامی می گذرانند. در واقع تمامی ارمنه به غیر از افراد بسیار کهنسال، توانایی جنگی دارند. این توانایی جنگی را نه حالا، بلکه از حدود ۱۰۰ سال پیش پیدا کرده اند و تجربه های شیرینی را در کشتار مردم بی دفاع ارومیه، خوی و سلماس به دست آورده اند.

هر خانواده درستی از درآمد ماهیانه ی خود را در اختیار دانشکد قرار می دهد. چند تن از اعضای مهم دانشکد نیز در تبریز زندگی می کنند. آنان جلسات ماهیانه و سالیانه ی مهمی را در تبریز برگزار می کنند. همایش بزرگ دانشکده ها هر سال در مرداد ماه در قره کلیسا واقع در چند کیلومتری ماکو می باشد. در تمام خانه های ارمنی نقشه ای ارمنستان بزرگ نصب شده است.

مطمئنا آنان بسیار دقیق و حساب شده شهر تبریز را انتخاب کرده اند. آنان در فکر به راه انداختن حمام خون دیگری هستند. همانطور که سالها پیش جمع اندکی از آنها حمام خونی را به وسعت چندین شهر و با خون ۱۵۰ هزار نفر از مردم مسلمان شهرهای ارومیه، سلماس و خوی به راه انداختند و هم اکنون در خویالی و قفقاز نزدیک به دو میلیون نفر را کشته، مجروح و آواره کرده اند، تبریز را نیز بی نصیب نخواهند کرد. قریب از دست رفت. منتظر از دست دادن تکمهی دیگر از این پیکره نباشید. وارطان حسینی

۲۶ فوریه سالروز قتل عام مردم خوجالی عزای عمومی در جمهوری آذربایجان است. فاجعه خوجالی حرکتی نیست که یک شبه بوجود آمده باشد این واقعه از پشتوانه تاریخی زیادی برخوردار بوده و یکی از فجایعی است که ارمنه پیرو ایدئولوژی ملی خود که همانا خیال ایجاد ارمنستان بزرگ در چارچوب اشغال سرزمین دیگر ملل می باشد بدان دست یازیده اند. تمامی اسناد تاریخی حاکی از آن است که ارمنه هیچگاه دارای سرزمینی نبوده و ارمنه ساکن آذربایجان نیز همواره اقلیتی تابع خانات آذربایجان بوده اند. جنگی که روسیه تزاری در راستای سیاست دستیابی به آنهایی گرم در سال ۱۷۲۱ بر علیه آذربایجان آغاز نمود و درگیری موجود بین خانات آذربایجان که خود تاثیر بسزایی در عدم موجودیت اتحاد بین این خانات بوده است با وجود تمامی مقاومتهایی که مردم و خانهای آذربایجان در برابر قوای روس و نیز با در نظر گرفتن خدعه هایی که روسها در فریب بعضی خوانین به کار بستند موجبات تسلط قوای روسیه تزاری را بر این اراضی فراهم آورد. روسها در جهت مهار هرچه گسترده تر آذربایجان و نیز با علم به اینکه مردم مسلمان آذربایجان تابعیت حکومتی مسیحی را نخواهند پذیرفت و روزی بر علیه آنها عسایان خواهند کرد در پی ایجاد پایگاهی در اراضی آذربایجان برآمدند. آنها در این راستا نیاز به ملتی داشتند که در درجه نخست فاقد زمین و سرزمین باشند، که رفته بودند که تمامی آلات جنگی لازم را برای ارمنه تدارک دیده و به آنان می گفتند هر روستایی را که بتوانید اهالی آنرا تار و مار نمایند به شما می بخشیم و این سیاست باعث قتل و عام های متعددی در طی سالیان مدید گشت. و واقعه قتل و عام مردم باکو در ۳۱ مارس ۱۹۱۸ یکی از صدها جنایتی است که ارمنه در ذیل حمایت روسیه و انگلیس بدان دست زدند.

در سال ۱۹۱۷ و پیروزی انقلاب سرخ، لنین دستور آزادی تمامی سرزمین های تحت اشغال روسیه تزاری را صادر کرد و همه ملل تحت اشغال روسیه توانستند دولتی مستقل تشکیل دهند. ولی این استقلال دیر نپایید و روسها بار دیگر لیکن اینبار زیر بیرق کمونیسم به فکر اشغال اراضی ملل دیگر افتادند. در واقع شوروی و امپراتوری تزاری روسیه هیچ تفاوتی با یکدیگر نداشتند و تنها نام و بیرق آن متفاوت بود. در زیر همین بیرق و در راستای همان سیاست های پیشین روسها اقدامات دیگری را جهت تعرض به اراضی آذربایجان آغاز نمودند

### جنایات دانشکده های ارمنی و جیلوها و مظلوم نمایی آنها

در مارس سال ۱۹۱۸ مصادف با اسفند ۱۲۹۷، دانشکده های ارمنه و جیلوها با همکاری مرزبانان روس و انگلیسی، جنوساید و نسل کشی بزرگی را در شهرهای ارومیه، سلماس، نغده، ماکو و خوی به راه انداختند و با آرزوی تشکیل ارمنستان بزرگ در اراضی آذربایجان (مزاران تورک آذربایجان را قتل عام کردند که نهایتا رهبر جیلوها ایفراطی (مراشیمون) توسط اسماعیل سینیقوف رهبر اکراد به قتل رسید. هزاران سند و مدرک از این نسل کشی موجود است و هنوز شاهدان عینی این نسل کشی در قید حیات هستند و این وظیفه هر مسلمان و ترک است که این نسل کشی را به جهنمیان بشتاناند. در حالی که خون شهیدان قاراباغ در مقابل چشم جهانیان جاری می شود، و جنایتاتی این دانشکده از دیدگان دوربینها دور نمی ماند ولی متأسفانه هیچ واکنشی از سوی جهانیان به این قتل عامها دیده نمی شود و با کمال بی شرمی ارمنه ۲۴ آوریل هر سال به بهانه قتل عامهای ۱۹۱۵ در اکثر شهرهای دنیا و حتی تهران از تظاهرات می گذرانان شتافته بود ترکیه را که به نجات همکیشان خود از دست این جنایتکاران شتافته بود متهم به نسل کشی کرده و ان را محکوم می نمایند. دولت جمهوری اسلامی هم بدون توجه به آیه های صریح قرآن در توجیه عملکرد کشور مسلمان ترکیه اجازه این تعدی را به حرم مسلمانان می دهد، حال آنکه اجازه هیچگونه تجمع اعتراض آمیز به مسلمانان برای دفاع از خود در برابر این تظاهرات را نمی دهد، گو اینکه مسلمانان برای تظلم خواهی باید سراغ کشورهای دیگری بجز ایران اسلامی بروند.

### ایا ارومیه هم روی آسایش را خواهد دید!

زمانی که هنوز ارومیه از بیداد بیدادگران ترارسمی نمی نیاموده بود و خاکستر آتش سوزی دهشتناک را از سر و روی خود پاک نکرده بود به مصیبت بزرگ دیگری مبتلا شد. چندین هزار نفر ارمنی و آسوری و جلو (جمعی از ارمنه عثمانی) که به وسیله امپریالیسم انگلیس و فرانسه مسلح شده بودند و از کمکهای بیربرغ مالی دولت آمریکا سود می بردند در عرض چند روز حدود شش هزار نفر را (فقط) در این شهر وحشیانه قتل عام کردند. گفته می شود در سراسر آذربایجان غربی دهها هزار تن و بقولی ۱۵۰۰۰۰ نفر آذربایجانی ایرانی توسط کفتارهای دانشکد حیوان صفتانه پاره پاره شدند. آیا سازمان ملل برای آنها هم همچون نسل کشی های رواندا ۱۰ ثانیه سکوت خواهد کرد!

و استالین در طی مراحل مختلف اقدام به اعطا و بخشش سرزمین های آذربایجان به ارمنه نمود. این سیاستها در دوران گورباچوف نیز تداوم یافت. گورباچف با وجود تمامی تبلیغات مثبتی که در جهان برای او شد و البته یک خود فروش بیش نیست مرحوم حیدر علی اف را که در آن زمان نفر دوم حزب کمونیست بود از کار برکنار کرد تا راه برای مقاصد پلیدش در تاراج اراضی آذربایجان بازتر باشد. به دنبال همین سیاستها و حمایت های پلید، در بامداد ۲۶ فوریه ۱۹۹۲ ارمنه حمله همه جانبه ای را به شهر خوجالی صورت دادند که در نتیجه این وحشیگری ارمنه ۶۱۳ نفر جان خود را از دست دادند. در حدود ۶ خانواده کاملا نابود شدند. در این بین زنانی را می دیدی که جنازه فرزند خود را در رو شبانه روز به پشت خود بسته و آواره به دنبال سرپناهی می گشت. کسانی را می دیدی که با آهن گداخته بر پشت و سینه اش صلیب کشیده بودند.

متأسفانه ندبای امروز بیش از حد سیاسی شده است و از کنار مسائل بسیار پی تفاوت عبور می کنند. ارمنه در تبلیغاتی که در سطح جهان انجام می دهند همواره خود را به عنوان کشوری که در حصار ی از مسلمانان گرفتار شده اند و تحت فشار و تحریم های زیادی قرار دارند جلوه می دهند. آنها هیچگاه حرف و عملشان یکی نبوده است و در کنار همین تبلیغات نهایت استفاده را از کشورهای مسلمان نیز می نمایند. ایران یکی از کشورهای بانفوذ و قدیمی دنیا و در عین حال منطقه می باشد ولی در خصوص حل مناقشه قره باغ تا به حال برنامه و طرحی عملی ارائه نداده است. تا به حال شاهد تصویب ۸ قطعنامه از سوی سازمان ملل متحد بر علیه قره باغ بوده ایم و اینها کوچکترین تاثیری نداشته اند. تا توجه به مسئله فوق آذربایجان چه خواهد کرد و برنامه الهام علی اف در این رابطه چیست؟ در هر صورت جلوی دهان ارمنه را نمی توان گرفت و آنان با بی شرمی تمام هر چه را که بخواهند می گویند. آذربایجان باید در پی تقویت قدرت سیاسی اقتصادی، اجتماعی و معنوی خود باشد و در پی ایجاد دولتی قوی و این حرفی است که یکی از مسوولان رده بالای ارمنستان در همین اواخر به زبان آورده است که « من هر روز که می خورم و بلند می شوم ترسم بیشتر می شود چون می بینم که آذربایجان هر روز قوی تر می شود و ما هر روز ضعیف تر». سیاست تا دریا تا دریای آنان هم تنها مشکل آذربایجان نیست و شامل همه کشورهای منطقه می شود. ارمنه در کثرتی که با عنوان ارمنستان بزرگ به کار رسانیده بودند قسمت هایی از خاک ایران و گرجستان را هم داخل در نقشه ارمنستان ارائه کرده بودند در هر صورت آنچه معلوم است این است که نخواهیم گذشت مسئله قره باغ به مسئله فلسطین تبدیل شود و به هر صورت ممکن این اراضی را باز پس خواهیم گرفت و نخواهیم گذشت حتی یک وجب از خاک آذربایجان در دست ارمنه متجاوز باقی بماند

### نه سوچا گوره اولدورولدولر؟

هشت دهه از فاجعه ی قتل عام مردم تورک ارومیه، سلماس، خوی، سولدوز به دست دانشکده های خونخوار ارمنی می گذرد. بیش از ۱۵۰۰۰۰ انسان بی گناه در حد فاصل سالهای (۱۲۹۵-۱۲۹۷) به طرز فجیعانه ای قربانی زباده خواهی های ارمنی ها گشتند. در روز سه شنبه، ۲۵ اسفند سال ۱۲۹۶ که همی مردم مشغول جشن چهارشنبه سوری بودند، دانشکده های ارمنی در کبتر از یک روز ۱۰۰۰۰ نفر از مردم ارومیه، اعم از پیر، جوان، کودک و خردسال را قتل عام نمودند. اکنون که بیش از ۸۵ سال از آن وقایع می گذرد، زخم التیام نیافته ای در وجود هر انسانی متبلور می باشد. ما من المللی محکوم نمودن نسل کشی های در سراسر جهان، مجامع بین المللی حقوق بشر نامتبی نه شناسایی و رسمیت دادن به قتل عام فوق مسرانه تقاضانمید. بیابید در چهارشنبه سوری هر سال ساعت ۱۲ ظهر به یاد قربانیان آن جنایت یک دقیقه سکوت کنیم. شاید این سکوت فریادی باشد بر سر تمامی مجامعی که سنگ دفاع از حقوق بشر را به سینه می زنند و خود را منادی حقوق بشر می دانند.

### برای آنها حتی ارمنی غیر دانشکد نیز

### یعنی فقط یک شکار

روز چهار شنبه ۵ اباتماه سال ۱۳۷۸ در حالی که نخست وزیر ارمنستان آقای اراژن سرکیسیان در حال سخنرانی در مجلس این کشور بود گروهی تروریست دانشکد وارد صحن مجلس شدند و با بی رحمی تمام اقدام به کشتار اراژن سرکیسیان نخست وزیر، کاپران دمیترچیان رییس مجلس (شخصیت محبوب ملت ارمنستان)، و هشت وزیر و نماینده کردند. در این حادثه دهشتناک ۳۰ نفر نیز به شدن زخمی شدند. این حادثه که بصورت زنده از تلویزیون ارمنستان پخش می شد سبب شگفتی شدید و نفرت عصبی جهانیان شد. کفتارهای دانشکد بی رحمانه می کشتند آری، برای آنها حتی ارمنی غیر دانشکد نیز یعنی فقط یک شکار است. کافی است که یک ارمنی با آنها مخالفت کند و بگوید که کارشان اشتباه است؛ آری، جواب آن گولله های است که نفیر کشتار در بدنش فرو می رود! از اول امسال نیز، پاکسازی مخالفان حکومت شروع شده است. کشتار برای کشتار!

# داشناک های ارمنی و مسلمانان آذربایجان

## در گذر تاریخ

\*در ۱۸۲۹-۱۸۲۸ روسها ۱۳۰ هزار نفر ارمنی مهاجر را در بخشهای غربی آذربایجان سکنتی دادند.

\*پس از صدور اعلامیه بالفور در ۱۹۱۷، مبنی بر تشکیل دولت یهود در فلسطین، یک که لوید جرج در پارلمان بریتانیا خواستار تشکیل کشور مستقل ارمنستان گردید.

\*در مارس ۱۹۱۷ - قتل عام مردم ارمنیه، مسلمان و خوی توسط ارمنیه ای فراطی به کمک ارتش روس و حمایت امپراطوری عثمانی از مردم مظلوم این سه شهر. کل جمعیت ارومیه قتل عام شدند و بازار آن بعد از غارت به آتش کشیده شد. نزدیک به ۳۰۰ هزار نفر کشته به جای ماند طوری که ارومیه تا مدتی بدون سکنه باقی ماند.

\*در ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۷ تا ژوئن ۱۹۱۸ بیش از ۲۰۰ روستای مسلماننشین در حدود ایروان تخریب و آلهالی آن قتل عام گردید و سپس سکنه مسلمان اجیادین، سورمالین و شارور از دیار خود رانده شدند. در گچیچین ۲۲ روستا تخریب و ۶ هزار نفر کشته شدند. در زنگزور در جریان تخریب ۱۱۵ روستای دیگر ۷۲۹ نفر از مسلمین کشته شدند که ۲۱۹۶ نفر آنها کودک بودند. در مجموع از ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ حدود دو میلیون نفر آذربایجانی مسلمان قتل عام یا رانده شدند تا جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان تشکیل شود.

\*در ۱۹۱۸ روسیه به اسکان ۶۰۰ هزار نفر ارمنی دیگر در همین اراضی کمک کرد. در حالی که همزمان ۵۷۵ هزار نفر آذربایجانی هم در آنجا ساکن بودند.

\*در ۱۹۱۹-۱۹۱۸ با حمایت های روسیه، فرانسه، بریتانیا و بویژه رییس جمهور وقت آمریکا، وودرو ویلسون، جمهوری ارمنستان در بخشی از اراضی تاریخی آذربایجان تشکیل گردید!

\*در ۱۹۲۰ روسیه شوروی زنگزور و دالان مگری را به ارمنستان واگذار کرد تا ارتباط نخجوان با شرق آذربایجان قطع شود.

\*در ۲۸ آوریل ۱۹۲۰ نیروهای بلشویک به فرماندهی ارژنیکیزه، باکو را اشغال و دولت فتح مسواتل محمد امین رسوزاده را ساقط کردند تا تنها مانع موجود در سر راه پان ارمنیسم برداشته شود.

\*در ۱۰ اوت ۱۹۲۰ بر مبنای معاهدهی آتشبس ۳۰ اکتبر ۱۹۱۸، امپراطوری عثمانی پیمان ننگین سور را امضا کرد و با واگذاری بخشهایی از آناتولی غربی به یونان و آناتولی شرقی و حوزی دریایچه وان به ارمنستان موافقت کرده، اما اینکه نخجوان و قرهباغ و زنگزور نیز پیشتر به اشغال آنان درآمده بود.

\*با روی کار آمدن ژنرال مصطفی کمال پاشا (اتاتورک) و مجاهدت های وی سرانجام بخشهای آناتولی غربی از یونان بازپس گرفته شد و همچنین با امضای پیمان قاز-صن-اردهان مابین دولت بلشویکی روسیه و تورکیه در ۱۳ اکتبر ۱۹۲۱ ارمنستان شکست خود را پذیرفت.

\*در ۷ ژوئیه ۱۹۲۳ ارمنستان موفق شد تا لنین را به صدور فرمان خودمختاری قرهباغ موفق کند، سرزمینی با ۳۲۰ هزار سکنه ی مسلمان بومی و ۱۲۰ هزار ارمنی مهاجر.

\*در ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۳ پیمان صلح لوزان امضا و مرزهای کنونی تورکیه تثبیت گردید.

\*در نوامبر ۱۹۴۵ حزب کمونیستی ارمنستان با ارسال نامه ای به استالین خواستار الحاق قرهباغ به ارمنستان شد.

\*در راستای سیاست ارمنستان برای ارمنه در ۲۳ دسامبر ۱۹۵۷ وزارت کشور شوروی با صدور فرمانی، اراضی مسلمین را به نفع ارمنه مصادره کرد.

\*در ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۱ در مجموع صد هزار خانواده ی آذربایجانی از ارمنستان اخراج و در مغان و دشت میل اسکان داده شدند.

\*در ۱۹۵۳ بدنبال مرگ استالین و مسکوت ماندن سیاست ارمنستان برای ارمنه، حزب کمونیست ارمنستان با قتل عام مردم روستای مسلماننشین لامیلی مسلمانان را به ترک اجباری مناطق وارد کرد.

\*در اکتبر ۱۹۸۷ میتفنگی در ایروان تشکیل شد و ارمنه از مسکو خواستار الحاق قرهباغ شدند. سیاست اخراج مسلمانان از این مناطق همچنان ادامه داشت.

\*در ۱۸ مارس ۱۹۸۸ - حاکمیت اتحاد جماهیر شوروی تصمیم میگرد که قرهباغ را به ارمنستان واگذار کند.

\*سپتامبر ۱۹۸۸ - آغاز عملیات تروریستی علیه مسلمین در قرهباغ.

\*۲۴ نوامبر ۱۹۸۸ - اعلام حالت فوق العاده در باکو، نخجوان و گنجه.

\*سامبر ۱۹۸۸ - اخراج ۱۰۵ هزار نفر مسلمان از ارمنستان.

\*۲۹ ژوئیه ۱۹۸۹ - ارمنستان راه آهن باکو-نخجوان را قطع می کند.

\*۲۸ نوامبر ۱۹۸۹ - مسکو تصمیم میگرد که کنترل قرهباغ را در دست گیرد.

\*اول دسامبر ۱۹۸۹ - ایروان خواستار الحاق قرهباغ بع ارمنستان می شود.

\*ژانویه ۱۹۹۰ - مسکو با ارسال ۱۰۰ دستگاه تانک به ایروان، تسلیم ارمنستان را آغاز می کند.

\*۱۹ ژانویه ۱۹۹۰ - شیخنظامیان ارمنی روستای مرزی سدرک در نخجوان را اشغال می کنند.

\*۲۰ ژانویه ۱۹۹۰ - فاجعه ی ژانویه ی سیاه در باکو: ارتش سرخ تظاهرات مسلمین را بشدت سرکوب می کند. ۱۱ هزار نفر سرباز ارتش سرخ به باکو و ۶ هزار نفر دیگر هم به قرهباغ اعزام می شود.

\*۱۳ فوریه ۱۹۹۰ - حاکمیت ایروان قطعنامه ی ۵ ژوئیه ۱۹۲۱ شوروی مبنی بر حاکمیت آذربایجان بر قرهباغ را مردود اعلام می کند.

\*ژانویه ی ۱۹۹۱ - تحرکات گسترده ی چریکهای ارمنی بر علیه روستاهای مسلمان.

\*۹ می ۱۹۹۱ - وزارت کشور شوروی مامور خلع سلاح شبه نظامیان ارمنی می شود.

\*۲۹ ژوئن ۱۹۹۱ - باکو رسماً از حاکمیت شوروی درخواست رسیدگی به پیرندی قرهباغ را می کند.

\*دوم سپتامبر ۱۹۹۱ - جمهوری ارمنی ناگورنو-قرهباغ (ارتیساخ) رسماً اعلام موجودیت می کند. اسلا (ارتش آزادیبخش ارمنستان) و آن.ام (حرکت ملی ارمنستان) یازده هزار نفر را مسلح می کند و در اولین اقدام روستاهای مسلماننشین منطقه ی گورانبوی پاکسازی می شود.

\*۲۳ سپتامبر ۱۹۹۱ - ملاقات روسای جمهوری آذربایجان و ارمنستان در ژیلانودسک روسیه با وساطت روسای جمهور روسیه و قزاقستان انجام می گیرد.

\*۲۶ دسامبر ۱۹۹۱ - اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی فرو می پاشد. اول ژانویه ۱۹۹۲ - شبه نظامیان ارمنی کنترل شهر خانکندی، مرکز قرهباغ را در دست می گیرند.

\*۱۲-۱۸ فوریه ۱۹۹۲ - ورود کمیته ی تحقیق OSCE به قرهباغ.

\*۲۶ فوریه ۱۹۹۲ - روسیه یک محموله تسلیحاتی اضطراری به ارمنستان ارسال می کند.

\*۲۴ مارس ۱۹۹۲ - OSCE در هلسنیکی تشکیل جلسه می دهد.

\*آوریل ۱۹۹۲ - روسیه پیشنهاد میانجیگری می دهد.

\*۷ می ۱۹۹۲ - ایران میانجیگری می کند و اجلاس صلح تهران تشکیل می شود.

\*۸ می ۱۹۹۲ - همزمان با اجلاس صلح تهران، ارتش ارمنستان شهر شوشا را اشغال می کند و اجلاس تهران را به بن بست می کشاند. بیش از ۲۳۱۵۶ آذربایجانی آواره می شوند.

\*۱۹-۱۸ می ۱۹۹۲ - ارمنستان شهر و محور استراتژیک لاجین را تصرف و قرهباغ را به ارمنستان متصل می کند و سپس به نوارمرزی سدرک حمله می برد تا ارتباط نخجوان-تورکیه را قطع کند! ستاد ارتش تورکیه به ارمنستان شدیداً هشدار می دهد. همزمان OSCE اجلاس فوق-العاده تشکیل می دهد.

\*۱۹ سپتامبر ۱۹۹۲ - اجلاس وزرای دفاع روسیه، ارمنستان و آذربایجان برای آتشبس.

\*۲۶ نوامبر-۱ دسامبر ۱۹۹۲ - اجلاس OSCE در وین.

\*۷-۹ دسامبر ۱۹۹۲ - اجلاس روسای جمهوری آذربایجان، ارمنستان، روسیه و تورکیه در ژنو.

\*۹-۱۲ دسامبر ۱۹۹۲ - همزمان با نشست وزرای دفاع ارمنستان و آذربایجان در سوچی، ارتش ارمنستان ۸ روستای زنگلان را اشغال می کند.

\*۵ فوریه ۱۹۹۳ - آغاز تهاجم گسترده ی ارتش ارمنستان در تمامی جبهه ها.

\*۱۷-۲۱ مارس ۱۹۹۳ - اجلاس گروه مینسک با مشارکت تورکیه.

\*۲۷ مارس - ۳ آوریل ۱۹۹۳ - ارتش ارمنستان شهر کلجبر را اشغال می کند و ۶۰۶۸۸ آذربایجانی آواره می شوند.

\*۳۱ مارس ۱۹۹۳ - نماینده ی ویژه ی رییس جمهور آمریکا در اعتراض به اشغال کلجبر، اجلاس صلح ژنو را ترک می کند؟!

\*۳۱م آوریل ۱۹۹۳ - صدور قطعنامه ی ۸۲۲ شورای امنیت سازمان ملل در محکومیت ارمنستان.

\*۱۷ ژوئن ۱۹۹۳ - حمله ی ارتش ارمنستان به جبهه ی آغام و مرداکرت. پیش از آغاز حمله، لئون تر پتروسیان رییس جمهور وقت ارمنستان در ۱۴ ژوئن از خنکندی دیدار می کند.

\*۱۲ ژوئیه ۱۹۹۳ - ورود رافائل نماینده ی ویژه ی گروه مینسک به مناطق اشغالی.

\*۱۸-۲۰ ژوئیه ۱۹۹۳ - ورود هیئت صلح روسیه به باکو.

\*۲۳-۲۲ ژوئیه ۱۹۹۳ - سقوط آغام و اوراگی ۱۵۸۰۰۰ نفر مسلمان.

\*۲۹ ژوئیه ۱۹۹۳ - صدور قطعنامه ی ۸۵۳ شورای امنیت سازمان ملل در محکومیت ارمنستان.

\*۱۸ اوت ۱۹۹۳ - شورای امنیت سازمان ملل خواستار اجرای قطعنامه های ۸۲۲ و ۸۵۳ می شود.

\*۲۳ اوت ۱۹۹۳ - سقوط فیزولی و رانده شدن ۱۵۲۸۶۰ نفر مسلمان.

\*۲۴-۲۵ اوت ۱۹۹۳ - سقوط جبریل و رانده شدن ۵۷۱۲۵ نفر مسلمان.

\*۳۱ اوت ۱۹۹۳ - سقوط قیادلی و اوراگی ۳۱۳۶۴ نفر مسلمان.

\*۲۸-۲۱ سپتامبر ۱۹۹۳ - اجلاس گروه مینسک در پاریس.

\*۱۴ اکتبر ۱۹۹۳ - صدور قطعنامه ی ۸۷۴ شورای امنیت سازمان ملل در محکومیت ارمنستان.

\*۲۳ اکتبر ۱۹۹۳ - ارتش ارمنستان گورادیز را اشغال می کند و ارتباط قیادلی-جبریل و زنگلان قطع می شود.

\*۲۸ اکتبر ۱۹۹۳ - ارتش ارمنستان محور استراتژیک مینجوان را اشغال می کند.

\*۹-۱۱ اکتبر - نوامبر ۱۹۹۳ - اشغال زنگلان و اوراگی ۳۴۹۲۴ نفر مسلمان.

**صاحب امتیاز و مدیر مسئول: علی محمدی**  
**هیئت تحریریه: علیرضا فرش، آیدین انگوتی**  
**مسئول توزیع: حجت پاشاپور**  
**همکاران در بخش توزیع:**  
**جواد حسینی (علوم اجتماعی)، اکرم اسداللهی (مدیریت)، آیدین انگوتی (علوم)، سارا علیزاده (حقوق و علوم سیاسی)، علیرضا فرش (فنی)، شبنم اکبری (ترتیب بدنی)، اعظم تورکی قوی (فاطمیه)، سنودا قلیزاده (ترتیب معلم کرج)، فریده منوچهری (دانشگاه الزهراء)، مهدی نعیمی (دانشگاه امام صادق) / زبیا شاهی (جامع کاربردی) ابوالفضل بجاتی (دانشگاه شهید رجایی).**

**یول روزهای یکشنبه در دانشگاهها توزیع میگردد.**  
**آدرس: تهران، خیابان 16 آذر، ساختمان فولاد، واحد نشریات دانشجویی، آدرس پست الکترونیکی: tdgbyol@yahoo.com**  
**شماره حساب یول: ( 0100756530004) نزد شعبه ی فخر رازی تهران - بانک ملی - غلامعباس انگوتی**  
**تلفن تماس: آلبای فضلی 0912333083**

\*۱۱ نوامبر ۱۹۹۳ - صدور قطعنامه ی ۸۸۴ شورای امنیت سازمان ملل در محکومیت ارمنستان.

\*۲۰ نوامبر ۱۹۹۳ - ارمنه هواپیمای حامل هیئت روسیه را سرنگون می کند. آند کوزیروف وزیر امور خارجه ی روسیه این اقدام تروریستی را محکوم می کند!

\*دهم دسامبر ۱۹۹۳ - آغاز حمله ی ارتش ارمنستان به بیقلان. ژانویه ۱۹۹۴ - با تلاش OSCE آتشبس اعلام می شود.

\*سوم مارس ۱۹۹۴ - ارمنستان آتشبس را نقض می کند. ۳۱ مارس - ۴ آوریل ۱۹۹۴ - ورود هیئت صلح کشورهای مشترک المنافع به ریاست فرقیزستان به مناطق اشغالی و دیدار از باکو-ایروان.

\*۹ آوریل ۱۹۹۴ - آغاز عملیات یکماهه ی ارتش ارمنستان در جبهه ی ترتر.

\*۴-۵ می ۱۹۹۴ - اجلاس نمایندگان مجلسین آذربایجان و ارمنستان در پیشگاه فرقیزستان و امضای پروتکل بیشکک.

\*۲۷ می ۱۹۹۴ - تهیه ی مفاد آتشبس توسط گروه مینسک و نماینده ی روسیه.

\*۲۸ می ۱۹۹۴ - موافقت روسای جمهوری ارمنستان و آذربایجان برای اعلام آتشبس رسمی.

\*اواخر می ۱۹۹۴ - اجرای آتشبس در سراسر جبهه ها.

\*۵-۶ دسامبر ۱۹۹۴ - اجلاس OSCE در بوداپست مجارستان تشکیل می شود. گروه مینسک فرمول حل بحران را ارائه می کند: عقب نشینی ارمنستان از اراضی اشغالی آذربایجان و برگزاری انتخابات آزاد در قره باغ با مشارکت مسلمانان و ارمنه.

\*۲۹ دسامبر ۱۹۹۴ - رابرت کوچاریان به ریاست جمهوری خودخوانده ی ارمنی قرهباغ منصوب می شود.

\*عوز که هنوز است ارمنه داشناک از خون سیر نشده اند، گویا چنین مقدر است که با سرکشیدن خون تمامی ملت آذربایجان به سیری برسند. بیایدید

در ۲۴ آوریل خون خود را در تقدیم آنها کنیم. شاید از عطر سیری ناپذیر آنها اندکی کاسته شود!

## جنایات (ارمنه) در اورمو مادامی که دنیا باقی است از خاطره ها فراموش نخواهد شد و صفحه تاریخ عالم را سیاه خواهد نمود!

صدای تفنگ از شهر بلند و دعوا به شدت شروع شده و از چند جانب (ارمنه، جیلوها و آسوریها) شهر (اورمو) را بومبارده کردند. اتصال صدای توپ و بمب از هر طرف برضارسته و هر آتی هزارها تفنگ خالی می شد. انات و اطفال در وحشت و اضطراب (بوده) و مردم خانه های را به متصل به محلات مسیحیان بود تخلیه کرده به میان شهر فرار می نمودند... تا کار رسید به آنجا که نایبست برسد و ولایتی مثل اورمو که در همه ی عالم معروف و عروس ممالک ایران بود به اندازه ای خراب شد که سالیها سال آبادی آن و دایر شدنش طول دارد. صد هزار نفوس!

چندین هزار نفوس محترمه از پیرو جوان و زن و بچه بی تقصیر و بی گناه به قتل رسیده و خانه ها تاراج شد و زحمات موروثی و مکتسبی مردم بیچاره به غارت رفته و اختراق گردید که مادامی که دنیا است از خاطره ها فراموش نخواهد شد و صفحه تاریخ عالم را سیاه خواهد نمود.

- هرگاه یک ساعت این وضع ادامه یابد اهل شهر عموماً مقتول خواهند شد... همین که داخل حکومت (وزارت خارجه شعبه ارومیه) شدم جمعیت زیادی از محترمین و علما و معارف شهر در حیاط و تالار دیدم که دادو فریاد کرده و می گفتند کار از آن گذشته است. هرگاه یک ساعت این وضع ادامه یابد اهل شهر عموماً مقتول خواهند شد...

«ارومیه در محاربه عالم شور»، میرزا رحمت الله خان معتمد الوزاره، ص ۱۰ الی ۱۳»

## ۲۶ فوریه مطابق با هفتم اسفند ماه، روز عز و ماتم برای همه آذربایجانیها، مسلمین و نیز تمام انسانهای آزاده جهان است.

۱۲ سال پیش در سحرگاه چنین روز مخوفی، هزاران تن از مردم بی دفاع شهر خوجالی و روستاهای اطراف آن، واقع در قره باغ کوهستانی جمهوری آذربایجان، توسط داشناکهای خونخوار ارمنی بطرز فجیعی قتل عام شدند. در این فاجعه موله حتی به شیرخواره ها، اطفال، زنان، پیران و بیماران نیز جزئیترین رحمی نشد!

کفتارهای خون آشام داشناک با محاصره خوجالی راه خروج نزدیک به ۱۰ هزار تن از اهالی این شهر را در تنگه سحرکان سد کرده با آتش حجیم توپخانه و دیگر سلاحهای سنگین به کشتار پناهجویان مضطرب پرداختند. سپس نوبت به هجوم وحشیانه این کفتارهای خونخوار رسید. آنها هرکسی را که یافتند دریندد و کشتند سوختند. هزاران انسان با گلوله ، قمه و دشنه قطعه قطعه و بنحو رقت انگیزی شهید شدند. برخی از آوارگان بی گناه را زنده زنده آتش زدند. اموال اهالی آواره غارت گردید و در کمال بی سیرتی و بی شرمی به نوامیس مسلمین آذربایجان تجاوز و تعدی شد.

در ۲۶ فوریه بدنبال جنایت عظیم و شناخت نفرت انگیز داشناکهای ارمنی، نزدیک به یک سوم از اهالی شیعه و مظلوم خوجالی به دردناکترین صورت ممکن به شهادت رسیدند.

## ۲۴ آوریل روز راهپیمایی و تحصن ارمنه بخاطر «کشتار ژزادی ارمنه توسط تورکها»

همه ساله در چنین روزی ارمنه ای ایران دست به راهپیمایی و تحصن می زند و ادعا می کند که تورکها به قتل عام آنها دست زده اند! چه کسی باور خواهد کرد.